

کتیف و دیوانه وار

علیرضا امیرحاجبی

روایت لوران و ندراستاک عکاس گاما و نیوزویک از جنگ آمریکا در عراق

همراهی دهد: «کارما با گروهان شبیه به بازی قایم باشک شده بود و بدین طریق توانستیم مدت زیادی را با آنان همراه شویم. گروهان مک کوی به ما آب، غذا و سوخت کافی داد اما به این شرط که با آنان همراه نشویم و به منطقه امن برویم. ما قبول کردیم اما به قول خود عمل نکردیم. تجربه‌ی مادر جنگ بسیار بیشتر از سربازان مک کوی بود و همین مسئله باعث شد که او نرم شود. از طرف دیگر او مایل بود که مطبوعات داستان پیروزی اش را منتشر کنند. به این ترتیب بین گروه ما و ندراستاک شخصیت تفنگداران را چنین توصیف می کند: «تفنگداران

تخریب می کردند. مردم بر اثر این تجاوز گسترده غرورشان به سرعت درهم شکسته شده بود و احساس تحقیر می کردند. همراهی و ندراستاک با گردان سوم از هنگ چهارم تفنگداران دریایی آمریکا فرصت مناسبی بود برای نمایان ساختن ماهیت عملیات نظامی. او در ادامه می نویسد: «استراتژی کلی تفنگداران این بود که وقت را هدر ندهند و صرفاً با عبور از شهرها قدرت خود را به نمایش گذارند.» در ابتدای سفر فرماندهی تفنگداران با همراهی گروه خبری مخالفت می کرد اما نوع برخورد و صمیمیت و ندراستاک باعث می شود سرهنگ مک کوی به آنان اجازه

زانو مجروح شد، وی پس از بهبودی نسبی در سال ۲۰۰۳ و در زمان حمله‌ی آمریکا و سقوط صدام همراه خبرنگار نیوزویک گزارشی تکانه‌دهنده و تأثیرگذار از اقدامات و نحوه‌ی عملکرد تفنگداران دریایی آمریکا در عراق و سقوط بغداد تهیه و ارسال کرد. اما وی یک گزارش اختصاصی هم برای روزنامه فرانسوی لوموند تهیه و در همان سال منتشر کرد. و ندراستاک در این گزارش می نویسد: همه چیز از مرز کویت و عراق آغاز شد. به هر زحمتی بود خودمان را از طریق سفان به منطقه‌ی حمله رساندیم. سربازان آمریکا در هر شهر در مقابل چشمان مردم اقدام به

لوران و ندراستاک متولد ۱۹۶۴ بلژیک یکی از برجسته‌ترین عکاسان خبری جهان است که برای آژانس گاما و همچنین مجله نیوزویک به تهیه‌ی عکس‌های تأثیرگذار پرداخته است. وی نه فقط با پوشش خبری - تصویری مناقشات و درگیری‌ها در افغانستان، فلسطین، بالکان، اولین جنگ خلیج فارس و سقوط صدام به اطلاع‌رسانی پرداخته بلکه در طول این فرایند خطرناک سعی بر ثبت آن دسته از وقایعی داشته است که سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر نیازمندشان هستند «اسناد نقض حقوق بشر».

وی خود در این زمینه می گوید: «اگر انسان این حرفه را با اندکی احساس همدردی با مردم به انجام رساند، وظیفه خواهد یافت تا وقایع را ثبت و یا به خاطر بسپارد.» و ندراستاک پس از سال‌ها فعالیت و منعکس کردن وضعیت بشر معاصر در سراسر جهان در سال ۲۰۰۰ و جریان پوشش خبری مناقشات چین به عنوان دیده بان حقوق بشر در منطقه شناخته شد و مجموعه‌ی گزارش‌هایش در زمینه‌ی نقض حقوق انسانی در چین باعث حیرت همگان شد. گزارش‌های تصویری او هم اکنون در آرشیو دیده بان حقوق بشر موجود است.

و ندراستاک در سال ۲۰۰۱ به فلسطین رفت و در یک درگیری خیابانی از ناحیه





پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بازویش اصابت کرده بود از معرکه نجات دادم. همکارم انریکو، دختر را دودستی گرفته بود و پشت سر ما هم پدر دختر با فرزند دیگرش می‌دویدند. پدر به دکتر می‌گفت: «نمی‌فهمم! من با بچه‌هایم در پیاده‌رو راه می‌رفتیم. چرا تیراندازی هوایی نکردند؟! حداقل مرا می‌زدند نه بچه‌هایم را.»
 وندراستاک در پایان گزارش لوموند می‌نویسد: «عملیات تفنگداران سرهنگ مک‌کوی باتسخیر کاخ ریاست جمهوری و سرنگونی مجسمه‌ی صدام پایان یافت. در این مراسم تعداد خبرنگاران از مردم بغداد زیادتر بود.»

از پل بغداد پیشروی تفنگداران ادامه یافت. در یک اقدام عصبی و هیجانی یک خودروی شخصی آبی رنگ مورد هدف تفنگداران قرار گرفت و دو مرد و یک زن کشته شدند.
 آیا آن‌ها دشمن بودند؟ من شاهد کشته شدن پانزده غیرنظامی در عرض دو روز بودم. با این‌که در گذشته شاهد جنگ‌های زیادی بودم و می‌دانستم شهروندان اولین قربانیان جنگ هستند اما با قاطعیت می‌گویم که این جنگ بسیار کثیف و جنون‌آمیز است.»
 وی در ادامه چنین گزارش می‌کند: «من یک دختر کوچک را که گلوله به

استراتژی‌یکی را می‌دیدم که آمریکایی‌ها نام پل آزادراه بغداد را به آن داده بودند.
 سربازان دستور داشتند هر چیزی را که در تیررس‌شان بود هدف قرار دهند. همان شب یک جوان عراقی که قصد عبور از پل را داشت کشته شد. هفتم آوریل تفنگداران تصمیم به عبور از روی پل گرفتند. در حین عبور نارنجکی به درون یک خودروی زرهی پرتاب شد و دو تفنگدار کشته شدند. سربازان عصبی شده بودند و به هر طرف و هر چیز شلیک می‌کردند.»
 وندراستاک می‌افزاید: «بعد از عبور

دریایی نسبت به نظامیان دیگر حقوق و مزایای کمتری دارند. آنان برای انجام کارهای کثیف و غیرشرافتمندانه آموزش می‌بینند. تانک‌هایشان قدیمی و فقط مجهز به تفنگ خودکار ام ۱۶ هستند.
 آنان خود را کودکان فراموش شده آمریکا و خداوند می‌نامند و شعارشان این است: «جستجوکن و بکش».
 روی تانک‌هایشان می‌توانید کلماتی نظیر «حیوان گوشت‌خوار» و یا «قاتل کور» را ببخوانید. وی ادامه می‌دهد: «در ششم آوریل به حومه بغداد رسیدیم. در مقابل خود پل